





دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تفت
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق
گرایش خصوصی

عنوان

**وضعیت مالکیت زوجه نسبت به اموال حاصل در زندگی مشترک از
منظر فقه و حقوق**

استاد راهنما

دکتر فیض اله صالحی طبیلو

نگارنده

رضا جریده

دی ۱۳۹۶

بسمه تعالی
فرم شماره (۲۰)
تاییدیه هیات داوران

بدینوسیله تایید می شود که جلسه ی دفاع از پایان نامه آقای رضا جریده با عنوان : **وضعیت مالکیت زوجه نسبت به اموال حاصل در زندگی مشترک از منظر فقه و حقوق** با حضور هیات داوران ذیل تشکیل گردید و هیات داوران پس از مطالعه پایان نامه و شرکت در جلسه دفاع صحت و کفایت تحقیق انجام شده را براساس مقررات دانشگاه آزاد اسلامی جهت اعطای درجه کارشناسی ارشد در رشته ی **حقوق** گرایش **خصوصی** به نامبرده مورد تایید قرار می دهند.

۱) آقای دکتر فیض اله صالحی طبیلو

سمت در پایان نامه: استاد راهنما ☒ استادمشاور ☐ داورداخل دانشگاه ☐ داور خارج دانشگاه ☐

امضاء

۲) آقای دکتر روح الله بخت جو

سمت در پایان نامه: استاد راهنما ☐ استادمشاور ☐ داورداخل دانشگاه ☒ داور خارج دانشگاه ☐

امضاء

۳) آقای دکتر سیداحمد میرخلیلی

سمت در پایان نامه: استاد راهنما ☐ استادمشاور ☐ داورداخل دانشگاه ☐ داور خارج دانشگاه ☒

امضاء

۴) آقای / خانم دکتر

سمت در پایان نامه: استاد راهنما ☐ استادمشاور ☐ داورداخل دانشگاه ☐ داور خارج دانشگاه ☐

امضاء



به نام خدا

فرم شماره (۲۱)

منشور اخلاق پژوهش

با استعانت از خدای سبحان و با اعتقاد راسخ به اینکه عالم محضر خداست و او همواره ناظر بر اعمال ماست و به منظور انجام شایسته ی پژوهش های اصیل، تولید دانش جدید و بهسازی زندگانی بشر، ما دانشجویان و اعضای هیات علمی دانشگاه ها و پژوهشگاه های کشور:

تمام تلاش خود را برای کشف حقیقت و فقط حقیقت به کار خواهیم بست و از هرگونه جعل و تحریف در فعالیتهای

علمی پرهیز می کنیم.

حقوق پژوهشگران، پژوهیدگان (انسان، حیوان، گیاه و اشیاء)، سازمان ها و سایر صاحبان حقوق را به رسمیت می شناسیم

و در حفظ آن می کوشیم.

به مالکیت مادی و معنوی آثار پژوهشی ارج می نهیم، برای انجام پژوهشی اصیل اهتمام ورزیده از سرقت علمی

و ارجاع نامناسب اجتناب می کنیم.

ضمن پابندی به انصاف و اجتناب از هرگونه تبعیض و تعصب، در کلیه فعالیتهای پژوهشی رهیافتی نقادانه اتخاذ خواهیم کرد.

ضمن امانتداری، از منابع و امکانات اقتصادی، انسانی و فنی موجود استفاده بهره ورانه خواهیم کرد.

از انتشار غیر اخلاقی نتایج پژوهش نظیر انتشار موازی همپوشان و چندگانه (تکه های) پرهیز می کنیم.

اصل محرمانه بودن و رازداری را محور فعالیتهای پژوهشی خود قرار می دهیم.

در همه فعالیتهای پژوهشی به منافع ملی توجه کرده و برای تحقق آن می کوشیم.

خویش را ملزم به رعایت کلیه هنجارهای علمی رشته خود، قوانین و مقررات، سیاستهای حرفه ای، سازمانی،

دولتی و راهبردهای ملی در همه مراحل پژوهش می دانیم.

رعایت اصول اخلاق در پژوهش را اقدامی فرهنگی می دانیم و به منظور بالندگی این فرهنگ، به ترویج

و اشاعه آن در جامعه اهتمام می ورزیم.

امضاء استاد راهنما

امضاء دانشجو

تقدیم به:

پدر و مادر گرانقدر و همسر عزیزم

که بدون حمایت‌های بی دریغ آنان این مجموعه به ساحل مقصود ره نمی‌یافت.

تشکر و قدردانی

وظیفه خود می‌دانم که مراتب سپاس و تقدیر خود را از تمامی عزیزانی که با مشارکت خود، بنده را در اجرای این پژوهش یاری کردند، اعلام دارم.

از استاد راهنمای گرانقدر جناب آقای دکتر فیض اله صالحی طیب‌لو که با راهنمایی‌های ارزنده و روشن‌گرانه خویش در انجام این پژوهش راه‌گشای من بودند نهایت سپاس و تقدیر را دارم و از خداوند منان برای ایشان سلامتی و موفقیت روزافزون آرزو مندم.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

چکیده..... ۱

فصل اول : کلیات و مفاهیم

۱-۱- بیان مسئله ۲

۲-۱- پیشینه تحقیق ۴

۳-۱- سؤالات تحقیق ۵

۴-۱- فرضیات تحقیق ۵

۱-۴-۱- فرضیه اصلی ۵

۲-۴-۱- فرضیات فرعی ۵

۵-۱- اهداف تحقیق ۶

۱-۵-۱- هدف اصلی ۶

۲-۵-۱- اهداف فرعی ۶

۶-۱- اهداف کاربردی بهره‌وران ۶

۷-۱- جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق ۶

۸-۱- روش تحقیق ۷

۹-۱- مفاهیم ۷

۱-۹-۱- تعریف مال در فقه و حقوق ایران ۷

۱-۹-۱-۱- فقه ۷

۲-۹-۱-۱- تعریف و انواع مال در حقوق ۱۰

۲-۹-۱-۲- تعریف اموال مشترک زوجین ۱۳

۱۰-۱-۱- نظریات مختلف در مورد رابطه مالی زوجین ۱۴

۱-۱۰-۱- نظریه ولایت شوهر و محجوریت زوجه ۱۵

۲-۱۰-۱- نظریه اشتراک کامل اموال ۱۵

۳-۱۰-۱- نظریه افتراق کامل اموال ۱۵

۴-۱۰-۱- نظریه اشتراک نسبی اموال ۱۵

۵-۱۰-۱- نظر فقها در مورد رابطه مالی زوجین ۱۶

۶-۱۰-۱- نوع و مبنای رژیم مالی زوجین در حقوق ایران ۲۱

فصل دوم : بررسی فقهی حقوق مالی زوجه طی دوران زندگی مشترک

۲۳.....	۱-۲- مبانی مشارکت زوجه در دارایی‌ها
۲۳.....	۱-۱-۲- احترام مال مردم
۲۵.....	۲-۱-۲- قاعده عدل و انصاف
۲۶.....	۳-۱-۲- قاعده لاضرر
۲۷.....	۴-۱-۲- وحدت ملاک از قاعده فقهی مربوط به دیون ممتازه
۲۸.....	۵-۱-۲- اصل عدم تبرع
۲۹.....	۶-۱-۲- قاعده احسان
۲۹.....	۲-۲- حقوق مالی زوجه طی دوران زندگی مشترک قبل از انحلال نکاح
۲۹.....	۱-۲-۲- مهر
۳۴.....	۲-۲-۲- نفقه
۳۵.....	۱-۲-۲-۲- مبانی نفقه از دیدگاه فقهای شیعه
۳۶.....	۳-۲-۲- اجرت المثل
۳۷.....	۱-۳-۲-۲- مبانی فقهی اجرت المثل
۴۴.....	۲-۳-۲-۲- نظر بعضی از مراجع عظام تقلید راجع به اجرت المثل
۴۵.....	۳-۲- حقوق مالی زوجه طی دوران زندگی مشترک بعد از انحلال
۴۵.....	۱-۳-۲- نحله
۴۶.....	۱-۱-۲-۳- مبنای شرعی نحله
۴۷.....	۲-۲-۳- مهر المتعه
۴۷.....	۱-۲-۲-۳- مفهوم مهر المتعه
۴۸.....	۲-۲-۲-۳- چگونگی تعیین مهر المتعه
۴۹.....	۳-۲-۲-۳- رابطه نحله و مهر المتعه

فصل سوم : بررسی حقوق مالی زوجه طی دوران زندگی مشترک از منظر حقوق

۵۰.....	۱-۳- مهر
۵۳.....	۲-۳- نفقه
۵۴.....	۱-۲-۳- مبنای حقوقی نفقه
۵۵.....	۲-۲-۳- امتیازها و ویژگیهای نفقه زن
۵۶.....	۳-۲-۳- زوال و سقوط تعهد به انفاق
۵۷.....	۴-۲-۳- ضمانت اجرای نفقه
۵۷.....	۱-۴-۲-۳- ضمانت اجرای مدنی
۵۸.....	۲-۴-۲-۳- ضمانت اجرای کیفری

۵۹	۳-۳-۳- اجرت المثل
۶۱	۳-۳-۱- مبانی حقوقی اجرت المثل
۶۴	۳-۳-۲- شرایط تعلق اجرت المثل
۶۹	۳-۳-۳- زمان تقاضا و تعیین اجرت المثل
۷۲	۳-۴-۱- نحله
۷۵	۳-۴-۱- ضرورت وجودی نحله
۷۸	۳-۴-۲- اهداف نحله
۷۹	۳-۴-۱-۲- نحله بعنوان پشتیبانی مالی زن بعد از طلاق
۷۹	۳-۴-۲-۲- نحله بعنوان جبران خسارت مالی زن بعد از طلاق
۸۰	۳-۴-۳- شرایط استحقاق نحله و ملاک‌های تعیین میزان آن
۸۱	۳-۴-۴- زمان مطالبه نحله
۸۲	۳-۵-۱- شرط تنصیف مال
۸۳	۳-۵-۱- ماهیت تنصیف مال در حقوق کشورهای غربی
۸۴	۳-۵-۲- ماهیت تنصیف مال در حقوق ایران
۸۴	۳-۵-۳- اوصاف شرط تنصیف اموال
۸۴	۳-۵-۱-۳- طبیعت حقوقی شرط تنصیف
۸۶	۳-۵-۲-۳- وصف لزوم تحقق شرط تنصیف
۸۷	۳-۵-۳-۳- وصف مستقل و تبعی بودن شرط تنصیف
۸۸	۳-۵-۳-۴- رضایی بودن شرط تنصیف
۸۹	۳-۵-۳-۵- وصف تعلیق شرط تنصیف
۹۰	۳-۵-۳-۶- قابلیت انتقال حقوق ناشی از شرط تنصیف
۹۱	۳-۵-۳-۷- وصف تنبیهی و ترمیمی شرط تنصیف
۹۱	۳-۵-۳-۸- مجهول بودن شرط تنصیف
۹۲	۳-۵-۴- کیفیت شرط تنصیف در حقوق ایران
۹۲	۳-۵-۴-۱- دلایل بطلان شرط تنصیف
۹۵	۳-۵-۴-۲- دلایل صحت شرط تنصیف

فصل چهارم : آثار ناشی از اموال مشترک دوران زندگی مشترک نسبت به زوجه

۹۷	۴-۱- مالکیت
۹۸	۴-۱-۱- مالکیت در عین
۹۹	۴-۱-۲- مالکیت در منفعت

۴-۲-حق تصرف	۱۰۱
۴-۲-۱-انواع تصرف	۱۰۳
۴-۲-۱-۱-تصرفات حقوقی	۱۰۳
۴-۲-۱-۲-تصرفات مادی	۱۰۳
۴-۲-۲-لزوم اذن طرفین در تصرف	۱۰۴
۴-۲-۳-لزوم رضای طرفین در تقسیم	۱۰۶
۴-۳-تقسیم دارایی	۱۰۷
۴-۳-۱-اقسام تقسیم	۱۱۰
۴-۳-۱-۱-تقسیم به تراضی	۱۱۰
۴-۳-۱-۲-تقسیم اجباری	۱۱۰
۴-۳-۲-اثر تقسیم	۱۱۲

فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهادات

۵-۱-نتیجه گیری	۱۱۴
۵-۲-پیشنهادهای	۱۱۶
فهرست منابع و مأخذ	۱۱۸
چکیده لاتین	۱۲۲

چکیده

هدف از انجام این پژوهش وضعیت حقوقی اموال و دارایی زوجین در دوران زوجیت است. نوع مطالعه این پژوهش توصیفی تحلیلی و از نظر هدف کاربردی می باشد. این پژوهش به شرط تنصیف که نقش شایان توجهی در حمایت و حفظ حقوق مالی زنان و دلایل بطلان و عدم بطلان چنین شرطی پرداخته است. برای انجام این پژوهش منابع کتابخانه ای و مقالات معتبر با موضوع گردآوری و مطالعه گردید. نتایج نشان می دهد نشان می دهد هرچند شرط تنصیف دارایی تحصیل شده زوج در ایام زندگی مشترک به نفع زوج، از جمله شروطی است که در راستای تامین منافع زنان و جلوگیری از درماندگی مالی در زمان تحقق طلاق، پیش‌بینی شده است، اما نظر به ماهیت قراردادی آن و لزوم توافق و قبول زوج، به تنهایی ضامن و حافظ منافع مورد نظر زوج نخواهد بود و بایسته است تا در صورت عزم جدی مقنن، این شرط تبدیل به حکم قانونی شود و از لوازم عقد نکاح به شمار آمده و همچون نهاد اشتراک اموال زوجین در برخی سیستم‌های حقوقی، به نهادی قانونی و دائمی بدل گردد. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از آن است که قریب به نیمی از دادخواست‌های طلاق از سوی مردان قبل از منتهی شدن به صدور حکم، با قرار «ابطال دادخواست» یا قرار «رد دعوی» منتهی می‌شود.

کلید واژگان: طلاق ، اموال زندگی مشترک ، وضعیت مالکیت

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱-۱- بیان مسئله

در حقوق ایران زوجه از ابتدای قانونگذاری دارای حق مالکیت به طور مستقل شناخته شده و ماده ۱۱۱۸ ق.م. به این حق اشاره کرده است. شراکت زوجه در دارایی شوهر برای اولین بار در حقوق ایران به صورت شرط پیشنهادی مطرح گردید؛ لذا طی دستورالعملی از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در سال ۱۳۶۲ در نکاح نامه‌های رسمی درج شد؛ البته زوجین بر امضای آن مختار می‌باشند. این شرط از باب فرض مالکیت مشترک بین زوجین نیست، بلکه به منظور حمایت از زنان پس از طلاق است. ضرورت این حمایت از آن جهت می‌باشد که زنان ایرانی معمولاً شاغل نبوده یا در صورت اشتغال، درآمد خود را در خانه هزینه می‌نمایند. معهذا از یک سو در صحت یا بطلان این شرط بین حقوقدانان اختلاف نظر است و از سوی دیگر در صدور حکم بر انتقال و تعلق تا نیمی از دارایی مرد به زن، بین قضات اختلاف رویه می‌باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در مقدمه و اصول خود مانند اصول ۳، ۱۰، ۲۱ در خصوص جایگاه زن سخن گفته و نظام اسلامی را موظف به احیای شخصیت و حقوق وی کرده است. در قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده نیز تلاش‌هایی در راستای زدودن افکار تاریک و جاهلانه نسبت به زنان شده است. با وجود این، امروزه نمی‌توان ادعا کرد که مشکلات در این حوزه برطرف شده و ما به نظامی جامع و بی‌نقص دست یافته‌ایم.

الگوی اسلام در خصوص وضعیت مالی زوجین، افتراق کامل دارایی‌هاست؛ امری که اگرچه مانع بسیاری از دست اندازی‌های مردان بر اموال زنان شده، اما نتوانسته حمایت کامل برای ایشان به وجود آورد. زیرا امروزه به رغم ورود زنان به عرصه اشتغال، انبوهی از آنان در خانه هستند و به فعالیت‌های مربوط بدان می‌پردازند. مشکل از جایی آغاز می‌شود که زن، با وجود استعدادها و توانمندی‌هایش در خانه می‌ماند و فضای آن را برای رشد و تعالی همه افراد خانواده و علی‌الخصوص مرد فراهم می‌کند. از این رهگذر مرد خانواده با خاطری آسوده و پشتوانه‌ای محکم شروع به فعالیت می‌کند و در این راستا دارایی‌هایی نیز به دست می‌آورد. اما چیزی که فراموش می‌شود مساعدت‌ها و هم‌فکری‌های زن است. از این‌رو در صورت انحلال زندگی مشترک و جدایی، زن با وجود فعالیت‌ها و هم‌فکری‌های فراوان و مؤثر، از دارایی‌های به دست آمده در دوره زندگی مشترک هیچ سهمی نخواهد داشت. بنابراین اگر معتقد باشیم که هر عملی محترم و در خور پاداش و اجرت است باید علاوه بر کارهایی که به طور مستقیم به ازدیاد ثروت منجر می‌شوند، کارهایی که به طور غیرمستقیم به این امر منجر می‌شوند را نیز مورد نظر قرار دهیم. وجود این خلاء شاید در نگاه اول امری ساده و کم‌اهمیت جلوه کند؛ لیکن در عمل صدماتی جبران‌ناپذیری به ساحت خانواده وارد آورده است. از این رو سهم زنان از دارایی‌های به دست آمده در دوران زوجیت از جمله مسائل مهمی است که موجب اختلافات فراوانی میان زوجین در آستانه جدایی می‌گردد. این اصل در فقه شیعه با استناد به قاعده تسلیط، آیه ۳۲ سوره نساء، روایت لایحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه و ... پذیرفته شده است (محقق داماد، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷). در حقوق ایران نیز با توجه به این اصل مسلم فقهی، درآمدهای به دست آمده توسط هر یک از زوجین در مدت زندگی مشترک، به خودشان اختصاص دارد و مطابق ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی که می‌خواهد بکند»؛ این مساله در زمان زوجیت مشکلی ایجاد نمی‌کند اما مشکل زمانی بروز می‌کند که اختلافاتی فی‌مابین زوجین ایجاد شده و زن و مرد چاره را در طلاق و جدایی می‌بینند و (غالباً زنان) درصدد احقاق حقوق مالی خویش و جدا کردن اموال و دارایی‌های حاصله از دوران زوجیت می‌افتند. در ایران، قانون مدنی، قانون حمایت خانواده و قوانین دیگر در خصوص خانواده (علی‌الخصوص طلاق)، حقوقی از قبیل نفقه، مهریه، اجرت المثل، نحله را برای زوجه در نظر گرفته‌اند اما در خصوص اموال حاصله در دوران زوجیت که غالباً به نام مرد خریداری شده‌اند تعیین تکلیف نکرده‌اند و لذا مطابق اصل استقلال مالی زوجین، بدلیل اینکه مالک رسمی این اموال غالباً مرد است، مسلماً تحت مالکیت وی باقی خواهد ماند و زنی که سالها در منزل شوهر زحمت کشیده و وقت و عمر خود را صرف تربیت فرزندان نموده است و حتی در بسیاری از موارد در کنار مرد خانواده و ضمن اداره امور منزل و فرزندان به اشتغال پرداخته است سهمی از این اموال نخواهد داشت و تنها مالک اموالی است که به نام وی سند خورده است.

از این رو محقق در این پژوهش به دنبال شناسایی نقاط ضعف و قوت سیستم حقوقی موجود در ایران پرداخته و حتی المقدور راه حل و پیشنهاداتی جهت رفع مشکلات موجود در ایران ارائه دهیم. بنابراین سوالی اساسی که در این پژوهش دنبال پاسخگویی به آن هستیم این است که: وضعیت حقوقی اموال و دارایی زوجین در دوران زوجیت چگونه است؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

۱- وضعیت زوجه نسبت به اموال حاصله در دوران زندگی مشترک، حسین مهرپور، مریم غنی زاده، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱: در این پژوهش به بررسی مشکلات حوزه قوانین مالی مربوط به زنان و نقص قوانین اعلامی و فقدان قوانین حمایتی خانواده است و به این موضوع می‌پردازد که زنان خانه دار به دلیل عدم اشتغال و استقلال مالی و عدم دغدغه مردان در پرداخت حقوق مالی ایشان دغدغه بیشتری دارند و همچنین بر اساس حقوق ایران که به اصل استقلال مالی زوجین تاکید دارد مردان آنچه را در طول زندگی مشترک به دست می‌آورد به نام خود می‌زنند و در صورت انحلال زندگی زن بهره‌ای از این بخش از فعالیت‌های خود نخواهد داشت.

۲- صفایی، سید حسین، (۱۳۷۶)، شرط انتقال تا نصف دارایی به زن در صورت اقدام شوهر به طلاق، ماهنامه حقوق و اجتماع، شماره ۴، ص: ۶۳-۶۵. یکی از مباحثی که پس از طلاق در خصوص حقوق مالی زوجه مطرح می‌شود، وضعیت تقسیم دارایی‌های مشترک است. ماده ۱۱۱۸ قانونی مدنی ایران، استقلال مالی زن از شوهر را به رسمیت شناخته است؛ این ماده مقرر می‌دارد: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند».

این ماده نشان می‌دهد قانون ایران که از منابع فقهی پیروی کرده است، برای زن اهلیت کامل قائل شده است. بنابراین در حقوق ایران دارایی زوجین، جنبه اشتراکی ندارد و اموال هر یک از زن و مرد مستقل و جدا از اموال و دارایی‌های دیگری است و هریک می‌توانند در دارایی خود به طور آزادانه تصرف کنند. از این رو پس از طلاق نیز دارایی‌های اختصاصی هریک از زوجین به خودشان تعلق دارد، اما مشکل زمانی بروز می‌کند که پس از سال‌ها زندگی مشترک طرفین تصمیم به جدایی از یکدیگر می‌گیرند و اموال مشترکی بین آنها وجود دارد؛ حال تکلیف اموالی که به طور اختصاصی متعلق به یکی از زوجین نیست، چگونه تعیین می‌شود؟ آیا به صرف اینکه در اکثر خانواده‌های ایرانی هزینه‌های اصلی زندگی برعهده زوج است، تمامی اموال اشتراکی به او تعلق دارد و یا راه‌حلی برای تقسیم عادلانه اموال وجود دارد؟

۳- دژخواه، لیلا، (۱۳۸۶)، طلاق و چالش تنصیف دارایی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۵، در راستای حمایت از زنان مطلقه، از سال ۱۳۶۲ در نکاح نامه‌های رسمی شرط درج

گردید. اما ابهام، الزام زوج به انتقال تا نصف دارایی به زوجه حین طلاق و اجمال در عبارات شرط و محدوده موسع آن، مشکلاتی را در اجرای شرط پدید آورده است؛ به گونه‌ای که نه تنها حمایت مالی از زنان حاصل نگردید، بلکه بعضاً به سرگردانی آنان منجر شد. از نتایج این شرط عدم تمایل مردان به اجرای گواهی عدم امکان سازش صادره از سوی دادگاه به دلیل مسائل مالی و انصراف از طلاق است، اگرچه این انصراف به منزله‌ی بازگشت به زندگی زناشویی نمی‌باشد. در این نوشتار این شرط مورد نقد و بررسی قرار گرفته و پیشنهاد اصلاح آن ارائه شده است.

۴- زارع، زهرا، ۱۳۹۳، وضعیت اموال حاصله از دوران زوجیت در حقوق ایران، اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق، شماره ۲۷: که ما به بررسی، وضعیت اموال حاصله از دوران زوجیت در حقوق ایران، از منظر فقه و حقوق می‌پردازیم. در پی تحولات اجتماعی و فمینیستی با شعار تساوی حقوق زن و مرد و رفع تبعیض بین آنها در چند دهه اخیر در کشورهای غربی، قوانینی به تصویب رسید که انتظار می‌رفت این قوانین بتواند حقوق اقتصادی زنان در خانواده را تأمین نماید. اما تغییر و تحول این قوانین به طور مداوم نشان می‌دهد که این قوانین هنوز نتوانسته جوابگوی نیازهای واقعی زنان باشد. حال آنکه قوانین فقهی اسلام قرنه‌است زنان را در مالکیت و تصرف نسبت به اموال مکتسبه خویش مستقل دانسته و زوج را ملزم به تأمین نیازهای زوجه با رعایت اصول اخلاقی می‌نماید. حقوق ایران به پیروی از فقه امامیه قائل به اصل استقلال مالی زوجین در مالکیت، اداره و بهره برداری از اموال خودشان است.

۱-۳- سؤالات تحقیق

- ۱- وضعیت حقوقی ایران در خصوص اموال و دارایی زوجین در دوران زوجیت چگونه است؟
- ۲- در حقوق ایران ضمانت اجرایی برای رسیدن زن به حق خود از زندگی مشترک چگونه می‌باشد؟

۱-۴- فرضیات تحقیق

۱-۴-۱- فرضیه اصلی

در قوانین ایران راهکار و ملاک روشنی جهت تمیز و تشخیص اموال مشترک زوجین ارائه نشده است.

۱-۴-۲- فرضیات فرعی

در حقوق ایران صاحب مال کسی می‌باشد که سند به نام وی است از این رو تا زمانی که مالی به نام زن نباشد قانون حمایتی به جز مواردی که حق ذاتی او می‌باشد نمی‌کند.

۱-۵- اهداف تحقیق

۱-۵-۱- هدف اصلی

بررسی وضعیت حقوقی اموال و دارایی زوجین در دوران زوجیت

۱-۵-۲- اهداف فرعی

۱- بررسی منابع تأمین مالی زنان در زندگی مشترک

۲- بررسی شرایط امنیت مالی زنان بعد از طلاق در حقوق ایران

۳- بررسی معیارهای تقسیم سهم زن از زندگی مشترک

۴- بررسی ضمانت اجرایی قانونی برای زنان جهت دریافت سهم خود از زندگی مشترک

۵- بررسی نقاط ضعف و قوت قوانین حقوقی ایران برای حمایت از زن در مقابل سهم اموال مشترک

دوران زندگی

۱-۶- اهداف کاربردی بهره‌وران

۱- دانشجویان، اساتید و پژوهشگران رشته‌های فقه، حقوق و رشته‌های مرتبط

۲- قضات و وکلا

۳- کلیه مؤسسات و سازمان‌های مرتبط با مباحث فقهی و حقوقی

۱-۷- جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق

در مورد وضعیت حقوقی سهم زنان از اموال حاصله زندگی زیاد کار نشده است و به جز چند مقاله پژوهشی صورت نگرفته است و همین محدود پژوهش‌ها نیز با کلی گویی روبرو است و زیاد به دلایل و راهکارها و بخشهای مختلف این موضوع اشاره نشده است از این رو لازم است با توجه به برابری زن و مرد از منظر اسلام و تلاشهای مشترکی که هم مرد و هم زن در راستای زندگی خود می‌کنند به این موضوع توجه کرد و شرایطی را به وجود آورد تا از زن که انسانی ضعیف می‌باشد و بعد ازدواج که اکثریت دچار مشکلات مالی می‌شوند حمایت لازم صورت بگیرد.

۱-۸- روش تحقیق

یکی از اصلی‌ترین بخش‌های هر کار پژوهشی جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد. چنان‌چه این کار به شکل منظم و صحیح صورت گیرد کار تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از داده‌ها با دقت و سرعت بیشتری انجام خواهد شد. روش تحقیق بستگی به هدف و ماهیت بررسی پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد بنابراین با توجه به ماهیت موضوع پژوهش حاضر روش کار در این پایان‌نامه به صورت توصیفی-تحلیلی محتوایی بوده و بر اساس روش کتابخانه‌ای به بررسی مطالب و قوانین موجود پرداخته می‌شود. روش تحقیق کتابخانه‌ای بوده و با روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد و با مراجعه به کتابخانه‌های معتبر تلاش نموده‌ام تا با جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز این تحقیق به صورت استفاده از کتب، مقالات، آیین‌نامه‌ها و مقررات موجود و فیش برداری می‌باشد.

۱-۹- مفاهیم

۱-۹-۱- تعریف مال در فقه و حقوق ایران

۱-۹-۱-۱- فقه

اموال کلمه‌ای عربی، جمع مال و به معنی مال‌ها، املاک و اسباب و امتعه و کالا و ثروت و هر چیزی که در تملک کسی باشد، یا در تصرف و ید کسی باشد، گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۳۷۷). مطابق با تعریفی دیگر: «کل ما ملک من الاشياء فهو مال». یعنی مال عبارت است از هر چیزی که شما مالک و صاحب آن باشید.

در فارسی هم به مال «خواسته» می‌گویند؛ زیرا در اصل از فعل ماضی «میل» است به معنی خواستن. مفهوم فقهی مال، تعریف لغوی آن را نیز در بر می‌گیرد (حسینی، ۱۳۷۰، ص ۲۳). به موجب تعریف فقهی صورت گرفته از مال: «المال مایبذل با زائنه المال» یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. مطابق با تعریف دیگری که از مال در قاموس‌اللغه: «المال ما ملکته من کل شیء» و در اصطلاح عبارت است از چیزی که ارزش مبادلاتی داشته باشد (گرجی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۶).

ملک در فقه به معنای سلطه و سلطنت قانونی است و مالکیت صفتی است که از این نظر به کار می‌رود و در حقیقت اعتباری است عقلایی. برخی از فقها حق سلطنت را یکی از احکام مالکیت می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰، ص ۵۸).

امام خمینی در «البیع»، مال را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «چیزی که تقاضا شود و عقلاً بدان میل و رغبت کنند و در برابر آن بها بپردازند» (شفایی، ۱۳۸۲، ص ۱۶). «حنفیه» دو شرط را برای مال یاد می‌کند:

حیازت‌پذیری و احرازشدنی بودن؛

عادتاً قابل انتفاع بودن (توکل، ۱۳۸۴، ص ۴۳).

منافع و حقوق، در چنین نگاهی از تعریف مال بیرون شده است. «سرخسی» در مبسوط این نکته را

می‌آورد:

«التمول صیانه الشيء و إدخاره لوقت الحاجة والمنافع لا تبقى وقتین و العین تبقى أوقاتاً و بین ما

یبقی و ما لا یبقی تفاوت عظیم». یعنی، مالیت، نگه‌داری و انباشتن برای رفع نیاز است و منافع تا زمان

طولانی نمی‌ماند. عین تا مدت بسیاری می‌ماند و میان آن‌که می‌ماند و آن‌که نمی‌ماند، تفاوت بسیاری است.

مال بودن و مالیت داشتن، امری است اعتباری- عقلایی که به جهت منفعی که از آن به دست می‌آید و

نیازی که مردم به آن دارند و سایر چیزها از جمله عرضه و تقاضا دارای ارزش می‌شود. پاره‌ای از حقوق نیز

از جهت این که برای صاحب حق سودی دربردارد، دارای ارزش است. پس مال را می‌توان از منظر فقهی به

سه قسم مهم تقسیم نمود:

۱- عین، ۲- منفعت و ۳- حق (فیض، ۱۳۷۶، صص ۳۲۹).

الف- عین

کلمه «عین» گاهی در مقابل «دین» به کار می‌رود که عین یک امر خارجی شخصی جزئی، ولی دین

یعنی یک امر کلی و در ذمه است و گاهی در مقابل منافع و اعمال به کار می‌رود.

عین در مقابل منفعت اعم از عین شخصی و عین کلی که قابل صدق بر افراد زیادی می‌باشد، ولی به

گونه‌ای است که هر فردی از کلی در خارج یافت شود، عین شخصی و قابل اشاره است و عین کلی هم اعم

است از کلی فی‌العین مانند یک صاع از صبره و یا کلی فی‌الذمه مانند پیش‌فروش کردن یک خروار گندم، که

مبیع کلی و به ذمه بایع درآمده است و از هر کجا فراهم کند، غرض حاصل شده است و در کلی در ذمه که

به ذمه شخص مستقر می‌شود، فرقی نیست که استقرار آن در ذمه به نفس همین بیع باشد، مانند بیع سلف یا

قبل از بیع و به وسیله قرض و اتلاف و غیره، بر ذمه شخص مستقر شده باشد (محمدی، ۱۳۷۵، ص ۶۸).

مطابق با مفاد ماده ۲۱۵ قانون مدنی، چیزی را که دارای منفعت عقلایی و مشروع نباشد، نباید از نظر

حقوقی مال محسوب کرد. چیزهایی که از لحاظ خست و پستی اعتنایی به آن‌ها نیست و از نظر اقتصادی و

مالی روی آن‌ها حساب نمی‌شود، نه مالیت دارند و نه مالکیت. همچنین، منافع باید مشروع باشد، یعنی منافع

محلله داشته باشد، لذا خمر و خنزیر و غیره که شرعاً مالیت ندارند، چون منافع عالیه و مقصوده آن‌ها تحریم

شده است (نبوتی، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

ظاهر ماده ۲۱۵ قانون مدنی این است که موضوع تعهد باید در بازار ارزش داد و ستد داشته باشد،

یعنی قابل مبادله و تقویم به پول باشد، ولی غالب نویسندگان عقیده دارند که این نظر را باید تعدیل کرد؛

زیرا چه بسیار اشیایی که در عرف ارزشی ندارند و با این وصف طرف معامله به جهات و دلایل خاصی حاضر است در برابر آن بهای گزافی بپردازد. از این رو، برای رعایت مصلحت می‌توان گفت که ماده فوق ناظر به روابط دو طرف عقد است و برای صحت عقد کافی است که موضوع تعهد نزد طلبکار دارای مالیت باشد؛ هرچند دیگران آن را بی‌ارزش بدانند. در این رابطه، به موجب رأی شماره ۵۸۹۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «چون شرکت نسبت به موضوعی تشکیل شده که نزد شرکاء مالیت داشته مورد مشمول موارد استثنای دادگاه نمی‌باشد» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۳۰).

ب- منفعت

منفعت عبارت از وضعیتی است که در عین مال نهفته است و به این اعتبار می‌تواند مورد نقل و انتقال قرار گیرد، مانند کسی که خانه خود را برای یک سال به دیگری اجاره می‌دهد (لطفی، ۱۳۸۲، ص ۸۹). منافع تدریجی‌الوصول‌اند و آنات آن، گاه پیدایش یافته و بلافاصله معدوم می‌شود، چنان‌که پیدایش آنات بعد مترتب بر نیستی آنات قبل است و اثری از خود باقی نمی‌گذارد، مانند سکونت خانه و گاه، آن آنات متراکم شده مجسم می‌گردد و در خارج به صورت عین ظاهر می‌شود، مانند میوه درخت در اجاره باغ. براساس ماده ۴۷۱ قانون مدنی، برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستأجره با بقاء اصل آن ممکن باشد، یعنی مالی که منفعت آن مورد اجاره قرار می‌گیرد، باید از اشیایی باشد که در اثر انتفاع از آن، عین مال معدوم نگردد و هرگاه در اثر انتفاع از آن، عین مال نیست شود، نمی‌تواند مورد اجاره قرار گیرد، مانند شیرینی و میوه و امثال آن. امر مزبور، شرط صحت برای تمام عقود است که منفعت از عین تفکیک شده و مستقلاً مورد عقد قرار می‌گیرد، مانند حق انتفاع، وقف و عاریه، ولی ممکن است بعضی اشیایی که با انتفاع از آن، عین مال معدوم می‌گردد، دارای منفعت نادری باشد که انتفاع از آن منفعت موجب انعدام عین مال نشود، در این صورت، اجاره آن منفعت صحیح خواهد بود (معزی، ۱۳۸۰، ص ۴۳).

ج- حق

حق در لغت به معنای راست، درست، مقابل باطل و نادرست، مطلب حق، راستی، درستی، حقیقت، یقین، عدل و داد، انصاف، نصیب، بهره، مزد، سزاواری، شایستگی، ملک، مال، اسلام، اسم خاص خدای متعال آمده است (معین، ۱۳۸۵، ص ۴۶۹).

فقه‌های اسلامی تعاریف مختلفی را از واژه «حق» ارائه نموده‌اند. برخی از فقها با تأکید بر عنصر جدایی حق از حکم در تعریف حق آورده‌اند: «حق توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به چیز یا کسی اعتبار شده و به مقتضای آن توانایی، می‌تواند در آن چیز یا کس تصرف نموده یا بهره‌ای بگیرد». فقیهی

دیگر حق را بدین شرح تعریف نموده است: «سلطنت اعتبار شده برای انسان بر غیر، اعم از مال یا شخص یا هر دو» (گرجی، همان، ص ۱۲۴).

دسته‌ای دیگر از فقها حق را به عنوان ملکیت ضعیف قلمداد نموده‌اند. به اعتقاد ایشان: «حق سلطنت ضعیف بر مال است که سلطنت منفعت از آن قوی‌تر و سلطنت بر عین از هر دو قوی‌تر است». در مقابل دو دیدگاه فوق، برخی از فقها نیز حق را به عنوان یک نهاد خاص و جدا از ملک و سلطنت می‌دانند. طبق تعریف ایشان: «حق خودش سلطنت نیست، بلکه سلطنت از آثار حق است، حق اعتبار خاصی است که دارای آثار مخصوص است».

به نظر می‌رسد، تعریف فقهای که برای حق، اعتباری مجزا از ملک و سلطنت قائل می‌شوند، مناسب‌تر می‌باشد.

حقوق‌دانان، تقریباً تعاریف مشابهی از واژه حق ارائه نموده‌اند. نویسندگانی در تعریف حق گفته است: «حقوق (جمع حق) در اصطلاح حقوقی عبارت است از قدرت امتیاز، سلطه یا خواسته‌ای پیوسته و جدانشدنی که قانون برای یک شخص حقیقی یا حقوقی می‌شناسد. به عبارت دیگر، هر کشوری برای شخص در برابر دیگران امتیازی می‌شناسد. این امتیاز که قانون برای حفظ منافع اشخاص در جامعه به آن‌ها می‌دهد، «حق» نام دارد». حقوق به معنای اخص نیز، شامل مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط اجتماعی است که از طرف قدرت عمومی وضع و اعمال می‌گردد و دارای ضمانت اجرا هستند. این قواعد و مقررات «حقوق موضوعه» نامیده می‌شوند و در هر کشور وضعیت و کیفیت خاص دارد (ساکت، ۱۳۷۱، ص ۴۸).

دکتر کاتوزیان نیز در تعریف حق آورده‌اند: «حق توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی مستقیم استفاده کند یا انتقال مال و انجام کاری را از دیگری بخواهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۹).

۱-۹-۲- تعریف و انواع مال در حقوق

الف- تعریف مال

برای مال و مالیت تعاریف مختلفی چه از متقدمین و چه از مؤلفین متأخر بیان شده که هیچ‌یک از تعریف‌های مختلف جامع و مانع نیست و چون مالیت یک موضوع و مفهوم عرفی است، احتیاجی هم به تعریف فلسفی ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۵۹۵).